بررسی رابطه نوع زایمان با افسردگی پس از زایمان

ماهرخ دولتیان (M.Sc.)[1]، پونه مازیار (M.Sc.)[2]، حمید علوی مجد (Ph.D.)[3]، محسن یزدجردی (Ph.D.)[4]

۱ـ گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی- درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲ـ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران.

۳ـ گروه آمار زیستی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران.

٤ـ گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دوره بعد از زایمان بیشترین زمان خطر برای بروز اختلالات خلقی شامل اندوه، افسردگی وسایکوز می‌باشد. افسردگی مهمترین اختلال خلقی پس از زایمان است که می‌تواند با اختلال در روابط مادر، کودک و خانواده همراه باشد و در صورت عدم توجه و درمان مناسب آن صدمات جبران‌ناپذیری را به‌دنبال داشته باشد. نظر به شیوع بالای افسردگی پس از زایمان و نیز عوارض ناشی از آن و همچنین وجود طیف وسیعی از علل در اتیولوژی افسردگی زایمان، منجمله نوع زایمان و وجود تناقضاتی در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه نوع زایمان با افسردگی پس از زایمان در زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی- درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸٤ انجام شد.

روش بررسی: تحقیق به روش تحلیلی آینده‌نگر انجام شد. در مدت ۸ ماه مجموعاً تعداد ۲۸۵ نفر خانم باردار در سه ماهه سوم بارداری از نظر افسردگی بررسی و تعداد ۵۰ نفر به علت داشتن افسردگی (امتیاز بیشتر از ۱۲ براساس تست ادینبرگ) از مطالعه حذف و در نهایت خانم‌های فاقد افسردگی وارد مطالعه شده و در مواردیکه نمونه‌های پژوهش سابقه جداشدن از والدین قبل از ۱۵ سالگی، سابقه سقط، سابقه ناباروری، مشکلات در زمان بارداری، زایمان طول کشیده، مشکلات پس از زایمان، سابقه بیماری‌های مزمن، بیماری‌های عصبی در خانواده، سابقه بستری مادر و نوزاد پس از زایمان و مرگ نوزاد داشتند؛ از تحقیق حذف شدند. در هفته‌های ۲ تا ٦ پس از زایمان پرسشنامه‌های رضایت از ازدواج، حمایت اجتماعی و افسردگی پس از زایمان توسط نمونه‌های پژوهش تکمیل گردید. نمونه‌های مطالعه براساس نوع زایمان به دو گروه زایمان طبیعی (۷۳ نفر) و سزارین (۷۵نفر) تقسیم شدند و پس از همسان‌سازی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS، ویرایش ۱۳ استفاده شد و سطح معنی‌داری در آزمونها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سن نمونه‌های مطالعه ۳/۱۵±۲۲/۷۱ سال بود. اکثر شرکت کنندگان دارای تحصیلات دبیرستانی یا دیپلم و خانه‌دار بودند. میزان شیوع افسردگی پس از زایمان ۲۰/۳٪ بود که ۱۳/٦٪ افراد در گروه زایمان طبیعی و ۲۷/٦٪ افراد در گروه سزارین دارای نمره بیشتر از ۱۲ در پرسشنامه افسردگی پس از زایمان ادینبرگ و در معرض خطر افسردگی پس از زایمان بودند. بین نحوهٔ زایمان و افسردگی پس از زایمان رابطهٔ معنی‌داری وجود داشت ($p<0/05$) و برآورد خطر نسبی افسردگی OR=۲ بود.

نتیجه‌گیری: نظر به اینکه در تحقیق حاضر افسردگی پس از زایمان به دنبال سزارین دو برابر زایمان طبیعی بوده است توصیه می‌شود که توجه به نوع زایمان و مشاوره مناسب برای انتخاب روش صحیح، با توجه به وضعیت مادر و نوزاد و اجتناب از انجام سزارین‌های انتخابی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش افسردگی پس از زایمان و جلوگیری از صرف هزینه‌های فراوان در این زمینه داشته باشد.

کلید واژگان: افسردگی پس از زایمان، زایمان، زایمان طبیعی، سزارین، رضایت از ازدواج، حمایت اجتماعی، سندرم قبل از قاعدگی.

مسئول مکاتبه: ماهرخ دولتیان، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، جنب بیمارستان کودکان مفید، خیابان شریعتی، تهران، ایران.

پست الکترونیک: mhdolatian@yahoo.com

Downloaded from http://www.jri.ir